همدرد هستیم، همراه هم نیستیم

یکی از مشکلات عمده جامعه ما این است که اگر چه من و تو و ما و شما همدردیم ولی همراه هم نیستیم.
همراه نبودن در بحث پیشرفت و توسعه استان بزرگ ترین ضربات را وارد کرده است. مثال های متعددی در این راه می توان ذکر کرد.
یکی از روشن ترین و واضح ترین مصداق برای این ادعا همراه نبودن نمایندگان مردم در استان در مجلس شورای اسلامی در چند دوره اخیر است. منتخبین مردم همواره در آغاز فعالیت، حرف های امیدوار کننده ای مبنی بر تقویت وحدت و همراهی بر زبان می آورند ولی با گذشت زمان همه آن وعده ها و حرف ها رنگ می بازند . هر نماینده ای ساز خود را می نوازد و در صورت نیاز از انتقاد و نیش زدن به دیگر نمایندگان نیز کوتاهی نمی کند.
اگر امروز می گوییم که استان ما در طول تاریخ به آن چه استحقاقش را داشته نرسیده و اگر ادعا می کنیم که این منطقه بکر و زیبا از قافله پیشرفت عقب مانده است و اگر معتقدیم که استان باید در همه زمینه ها سیر صعودی داشته بشد یکی از مهم ترین علل این وضعیت عدم همراهی مسئولین و بخصوص نمایندگان مردم بوده است.
در هر دوره از انتخابات مجلس، لزوم همراهی نمایندگان توسط دلسوزان استان مطرح شده ولی متأسفانه تاکنون این آرزو محقق نشده است.
“مردی برای خود خانه ای ساخت و از خانه قول گرفت که تا وقتی زنده است به او وفادار باشد و بر سرش خراب نشود و قبل از هر اتفاقی وی را آگاه کند.
مدتی گذشت تَرَکی در دیوار ایجاد شد و باز هم مرد با گچ تَرَک را پوشاند. بعد از مدتی در جایی دیگر از دیوار ترکی ایجاد شد و باز هم مرد با گچ تَرَک را پوشاند و این اتفاق چندین بار تکرار شد و روزی ناگهان خانه فرو ریخت.
مرد با سرزنش قولی که گرفته بود را یادآری کرد و خانه پاسخ داد هر بار خواستم هشدار بدهم و تو را آگاه کنم دهانم را با گچ گرفتی و مرا ساکت کردی این هم عاقبت نشنیدن هشدارها”!
در آستانه انتخابات و بخصوص در فرصت قانونی تبلیغات ، کاندیداها برای نفوذ در ذهن مخاطبان و جلب اعتماد آن ها حرف های شیرینی زده و بدون شک در اطراف ضرورت همراهی منتخبین نیز مانور خواهند داد ولی آیا این بار وعده همراهی نمایندگان در عمل چهره خود را نشان خواهد داد؟